

نویسنده : اندرو کوریبکو (Andrew Korybko).
منبع و تاریخ نشر : گلوبال ریسرچ « 2020-10-31 ».
برگردان : پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

اتحاد ایالات متحده با هند: مسله از اهمیت ستراتژیک برای هر دو حزب است

The US Alliance with India :Bipartisan issue of]
[strategic importance



اتحاد ایالات متحده با هند بمشابه مهمترین استراتژی بزرگ خود بدون در نظر گرفتن پیروزی که چه کسی در انتخابات هفته آینده امریکا پیروز میشود باقی خواهد ماند . چونکه این یک موضوع دو حزبی است که برای بروکراسی های دایمی نظامی ؛ اطلاعاتی و دیپلماتیک (دولت عمیق) دارای اهمیت بالاتری است .

تحلیلگران در تلاش ویا تقلا اند تا حدس زنند که در صورت پیروزی «جوبا یدن» در انتخابات ریاست جمهوری طی هفته آینده احتمالاً به تغییرات چندی در قانون اساسی دست زده خواهد شد. اما یکی از جنبه های ستراتیژیک کلان امریکا که احتمالاً تغییر نخواهد کرد ؛ اتحاد ایالات متحده با هند است . دو قدرت بزرگ در اوایل این هفته با توشیح «توافقنامه» مبادله همکاری اساسی (Basic Exchange and Cooperation Agreement=BECA) به اصطلاح «سومین پیمان اساسی» پس از یاداشت توافقنامه لجیستیک (Logistic Exchange Memorandum of Agreement=LEMOA) و همکاری نظامی خود را رسمی کردند . توافقنامه سازگاری و برقراری ارتباط (communication compatibility and security agreement =COMCASA) که در مجموع قابلیت همکاری نظامی این کشورها را بهبود می بخشد؛ هیچ یک از طرفین ؛ اهداف ضد چینی مشترک خود را پنهان نمی کنند. همانطور که نویسنده در تحلیل ماه سپتامبر خود در مورد چگونگی «اجتناب نا پذیر بودن که هند به دنبال فعال کردن «چین» است ؛ توضیح داد . که این خود روشن و هویدا است که او آنرا از اواسط سال (2016) به شدت دنبال میکند ؛ زمانیکه بحث در مورد جامعه رسانه ای بود . این مسیر به چنین دلیل کلیدی بدون توجه به هرکسی که مقام

ریاست جمهوری را بدست آورد؛ در مسیر خود باقی خواهد ماند.

گام به گام، ریاست جمهور توسط ریاست جمهور:

اولین مورد این است که ماشین بروکراتیک آمریکایی قبلاً دست به گیر چرخ دنده‌ها زده است و به شدت تلاش‌های نظامی، اطلاعاتی و دیپلماتیک (دولت عمیق) خود را برای تحقق این اتحاد متمرکز میکند، معکوس کردن این روند را حتی اگر «بایدن» صمیمانه بخواهد باز هم بسیار دشوار خواهد بود. اما هیچ دلیلی وجود ندارد که او را از زمانی که یکی از ناظران «چرخش آسیا» در دوران «اوباما» بود و اساس رسمی شدن اتحاد آمریکا با هند را برای «ترامپ» ایجاد کرد یعنی که «ترامپ» باید کار این اتحاد را به سر رساند و یا انجام دهد در حقیقت میتوان ادعا کرد که «اوباما» که با توجه به پیشرفتی که «بوش پسر» در آن زمان ایجاد کرده است؛ مانند پیمان همکاری هسته‌ای؛ میتوان اورا یکی از حامیان این اتحاد شمرد؛ زیرا اگر این موضوع اتفاق نمی افتاد دشوار بود که این اتحاد و توافق رخ میداد؛ پس تصمیم او برای ادامه سیاست‌های سلف‌اش در این زمینه قابل یادآوری است به همین ترتیب؛ تردیدی نیست که اتحاد آمریکا با هند یک مسله دوجانبه برای استقرار ایالات متحده است.

چرخش «از غرب به آسیای شرقی از طریق جنوب»:

نکته دیگری که باید ذکر شود این است که «محور چرخش به آسیا» بطور طبعی تمرکز استراتژیک ایالات متحده را از «آسیای غربی» به «آسیای شرقی» منتقل میکند؛ درحالیکه در فضای آسیای جنوبی بین هردو عبور میکند؛ هند تنها یک کشور عادی در برنامه ریزی سیاست خارجی ایالات متحده نیست؛ از آنجا که توانایی‌های جمعیتی و اقتصادی آن کاملاً با موقعیت جیوستراتژیک آن در بالای اقیانوس افریقا-آسیا (هند) جفت میشود تا آنرا بعنوان «وزنه مقابل» برای (چین) جذاب کند. این اهمیت محوری؛ هند را در شبکه نظامی چهارگانه در حال ظهور کشورهای ضد «چینی» توضیح میدهد و همچنین این یک واقعیت است که موقعیت آن در مرکز نیمکره شرقی تقریباً ناخوشایند است که باعث میشود؛ اهمیت آن بیش از سایر اعضای آن در بلوک باشد. نه «دونالد ترامپ» و نه «جوبایدن» قادر به نادیده گرفتن این فرصت بی سابقه جیوستراتژیک نبوده‌اند. از اینرو پیش بینی میشود که آنها واقعاً در این زمینه مضاعف عمل میکنند؛ صرف نظر از هرکسی که برنده شود. زیرا این کار منافع کشورشان را به بهترین نحو انجام میدهد و یا که تامین میکند.

نقش هند در استراتژی‌های «چین»؛ «ترامپ» و «بایدن»:

درحالیکه نگرش‌های مختلف «ترامپ» و «بایدن» نسبت به (چین) وجود دارد؛ اما این امر اهمیت «هند» را برای چشم انداز‌های سیاست خارجی آنها تغییر نخواهد داد؛ ریاست جمهور احتمالاً یک استراتژی تهاجمی‌تر برای بهره برداری آشکار از «هند» را بعنوان «فویل» (ورقه زورق) بخاطر نگهداشت و حفاظت غذا}} در نظر خواهد گرفت - و «چین» را «در آسیای جنوبی بزرگ» و آسیای میانه؛ اقیانوس افریقای آسیا؛ آسیای جنوب شرقی بکار خواهد گرفت درحالیکه «بایدن» با رویکرد خود از «تمایل به رسیدن به آن» ممکن است ملایم‌تر باشد (یعنی یک نوع تنش زدایی جدید) با «چین» (چه به دلایل عملی یا فساد پیشگی). نامزد دموکرات‌ها روند رو به رشد فروش اسلحه ساخت ایالات متحده به آن کشور (هند) را ادامه خواهد داد. اما ممکن است پیش از هرگونه رویکرد نظامی برای «مهار کردن» (چین) به همکاری سیاسی؛ اقتصاد دی با «هند» اهمیت دهد اگر پیش بینی در مورد تمایل «بایدن» برای دیتانت جدید با جمهوری خلق چین بازی کند در این صورت نقش «هند» به سادگی در (کنترول) نگهداشتن «چین» خواهد بود. و نه در برابر مقابله به آن؛ مانند تصورات «ترامپ»؛ به صورت «هند» هنوز هم برای هردو نامزد ریاست جمهوری آمریکا یک هدف کاملاً مهم استراتژیک دارد.

روسیه باید فوراً «قانون» متعادل سازی خود را دوباره ارزیابی کند:

این واقعیت با دید توسط کلیه ذینفعان مربوطه؛ بویژه روسیه که در حال حاضر به شدت برای حفظ موقعیت غالب دهه های خود در بازار اسلحه و یا تسلیحات «هند» با ایالات متحده رقابت میکند مورد توجه قرار گیرد. این اصل به این مفهوم نیست که روسیه باید هند را «تخلیه کند و یا که از دست دهد» بلکه به روسیه چنین پیشنهاد است که لبه ای تیز مبارزه خود را بکار اندازد که نفوذ اش بالای این کشور «هند» واقع در جنوب آسیا از بین نرود و اما در صورت از دست دادن نفوذ بیشتر اش در این کشور کار به جایی خواهد کشید که رقیب روسیه (شریک خردسال) با دهلی نو خواهد شد لذا ضرور پنداشته میشود که روسیه برنامه پیش بینی احتمالی را شروع کند و خطر ایجاد «معضل امنیتی» ناخواسته با چین را رفع کند چنانچه که نویسنده در مورد این سناریو در تحلیل ماه سپتامبر خود با طرح این سوال که آیا روسیه هند را رها میکند یا که دوباره در پلان های خود دست به ارزیابی میزند؟ یعنی که به ارتباط قانون «متعادل سازی» خود بین چین و هند هوشیارانه به ارزیابی می پردازد. و توصیه من به تصمیم گیرندگان که در عین حال مایل به تقویت روابط ستراتیژیک با پاکستان به منظور برقراری تعادل در عمل «متعادل سازی» روسیه اند؛ پاسخ دوجانبه در مورد دستیابی به هند برای ایجاد یک جنبش عدم تعهد جدید (New NAM) را در نظر بگیرند البته عدم انجام این کار ممکن است اصل عمده ستراتیژیک بزرگ روسیه را که تبدیل به بالاترین نیروی «متعادل کننده» اوروآسیا شده است؛ بی ثبات کند.

نتایج اندیشه ها :

هیچ ناظری نباید لحظه ای شک کند که اتحاد امریکا با هند (توافقنامه ایالات متحده با هندوستان) بدون توجه به پیامد یا به نتیجه انتخابات هفته ای آینده در میان اولویت های اصلی ستراتیژیک خود باقی خواهد ماند. چرخ دندانه های دولت برای پیشبرد این هدف که نشان دهنده اخراج تلاش های «ترامپ»؛ «اوباما» و «بوش پسر» در نمایش واقعاً قابل توجه توافق دو حزب (جمهوریخواه و دموکرات) در مورد یک مسله مهم برخوردار از اهمیت سیاست خارجی است که بگونه یک پارچگی کار میکند در حالیکه «ترامپ» و «بایدن» دیدگاه های مختلفی در مورد چگونگی استفاده بهینه از اتحاد کشورشان با هند دارند. واقعیت این است که آنها با این وجود این مشارکت را با افزایش تعداد دفعات برای پیشبرد اهداف متنوع خود بکار میگیرند. خواه این کشور مانند «پیش بینی های فعلی» بطور فعال «حاوی» باشد ملایمتر (نگهداشتن آن) در چک (check) برای حمایت از «دیتانت جدید» که حریف میخواد در طول دوره بالقوه خود (یا حتی به احتمال زیاد انتخاب معاون رییس جمهور) لغو کند از آنجا که این روند تغییر بازی سرعت میگیرد و بطور فزاینده ای به یکی از عوامل اصلی زمینه ستراتیژیک در مورد نیمکره شرقی تبدیل میشود؛ روسیه مجبور خواهد شد که سیاست و یا عمل «متعادل سازی» خود را با هند دوباره ارزیابی کند.

با تقدیم سلامها « 2020-11-10 »